



سومین همایش ملی

بانوکشور اسلام

بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
Islamic World Citation Center

CIVILICA

SID

الگوی ازدواج با توجه به زندگی حضرت خدیجه (س) و پیامبر اسلام (ص)

مرضیه سادات هاشمی ۱

دکتر حسین دشتی ۲

چکیده

ازدواج آسمانی و الهی پیامبر اکرم (ص) و حضرت خدیجه (س)، ویژگی‌ها و پیام‌هایی را به دنبال دارد از جمله: پرهیز از نگاه مادی، شناخت و آگاهی، مشورت، پرهیز از تجملات، پرهیز از تعیین مهریه‌های سنگین و... این پیوند آسمانی الگوی بسیار خوبی برای جوانان امروزی و خانواده‌ها در امر ازدواج است تا از برخی آداب و رسوم غلط و افراطی در بحث ازدواج پرهیز شود؛ همچنین ازدواج جوانان تسهیل شود و مانند چراغی روشن، هدایتگر راه جوانان برای ازدواج و شروع زندگی مشترکشان باشد. این مقاله در ابتدا به بررسی و تبیین ملاک‌ها و معیارهای اعلام‌شده از سوی حضرت خدیجه (س) پرداخته است. سپس چند معیار دیگر را که در انتخاب حضرت خدیجه (س) بی‌تأثیر نبوده را ذکر کرده و در آخر نیز، سنت‌شکنی‌هایی مطرح می‌شود که در این ازدواج آسمانی بر خلاف عرف صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: ازدواج، ملاک‌ها و معیارهای ازدواج، حضرت خدیجه، رسول اکرم (ص).

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق، دانشگاه اردکان.

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی.

مقدمه

ازدواج یکی از پرچالش‌ترین مسائل دنیا از گذشته تا کنون بوده است و همیشه انسانها در همه دوران تاریخ به دنبال پیدا کردن معیارها و ملاک‌های مناسب برای ازدواج بوده اند. امروزه نیز از یک طرف شرایط سخت اقتصادی جامعه امروزی و بالا رفتن نرخ تورم و کاهش ارزش پول ملی باعث بالا بودن هزینه‌های ازدواج، مسکن و... شده است و از طرفی دیگر متاسفانه طرفین و خانواده‌هایشان اهمیت چندانی به مسائل معنوی از جمله ایمان و دینداری و متدین بودن طرف مقابل نمی‌دهند و به همین خاطر متاسفانه مسئله ازدواج با مشکلات بیشتری نسبت به گذشته روبرو می‌باشد که جوانان را دچار سردرگمی در انتخاب همسر نموده است.

ما در این نوشتار سعی بر آن داریم که بر اساس الگوهای اسلامی دینی، به ازدواج نگاه کرده و معیارها و ملاک‌های ازدواج‌های اسلامی را بخصوص ازدواج حضرت خدیجه (س) با رسول خدا (ص) را مورد بررسی قرار بدهیم.

در ازدواج حضرت خدیجه (س) و رسول اکرم (ص) ملاک‌ها و معیارهایی برای ازدواج بیان می‌گردد (ابن سیدالناس، ۱۴۱۴ق، ص ۶۳) و مورد توجه قرار می‌گیرد که با معیارهای کنونی بسیار متفاوت می‌باشد. فردی از بزرگان قریش وجود نداشت مگر اینکه از حضرت خدیجه (س) خواستگاری کرده و حضرت دست رد به سینه همه زده (مجلسی، ۱۱۱۰ق، ص ۲۲) و با وجود این همه خواستگار و خواهان خود به پیامبر ابراز علاقه نموده و می‌فرمایند که: «یا بَنَ عَمِّ! اِنِّی قَدْ رَغِبْتُ فِیْکَ لِقُرَابَتِکَ مِنْیْ وَ شَرَفِکَ فِی قَوْمِکَ وَ اَمَانَتِکَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِکَ وَ صِدْقِ حَدِیْثِکَ! ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی ات با من، و شرف و امانتداری ات در میان قوم خود، و به جهت اخلاق نیک و راستگویی ات، به تو تمایل پیدا کردم.» (ابومحمد عبدالملک بن هشام، ۱۸۳ق، ص ۲۰۱).

پس حضرت دلیل این علاقه را چهار چیز از جمله قرابت و خویشاوندی، راستگویی، امانتداری، حسن خلق بیان می‌نمایند که در ادامه به تبیین این ملاک‌ها می‌پردازیم و امیدواریم که با بیان مطالب فوق و تبیین ملاک‌های اعلام شده از سوی ایشان بتوانیم راهکاری و معیارهای جدیدی را به جای معیارهای کنونی جایگزین کنیم.

معیارهای ازدواج در سنت نبوی

صداقت و راستگویی در ازدواج

از جمله ملاکها و معیارهای همسر شایسته، صداقت و راستگویی است، همچنان که حضرت خدیجه (س) اهمیت این موضوع را کاملاً درک کرده و آن را به عنوان یکی از شاخصه‌های انتخاب خویش بیان نموده اند، زیرا برای تحکیم و تداوم و تعاون و سازگاری مخصوصاً در زندگی بهترین خصلت، صداقت و امانت‌داری است. به همین خاطر است که صداقت و راستگویی در دین مبین اسلام و در کلام بزرگان دین و امامان معصوم (ع) مورد تأکید فراوان قرار گرفته و در ردیف و بلکه بیش از انجام شرایع به آن سفارش شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (روم، ۱۹) (ای اهل ایمان خدا ترس باشید و به انسان‌های راستگو بپیوندید). در روایتی از وجود مقدس امام جعفر صادق (ع) وارد شده است که فرمودند: «به نماز و روزه مردم مغرور (فریفته) نشوید؛ زیرا بعضی مردم به نماز و روزه عادت کرده‌اند، آنچنان که از ترک آن‌ها ناراحت می‌شوند. در تشخیص مراتب دینداری، آنها را به راستگویی و امانت‌داری امتحان کنید.» «لَا تَغْتَرَّوْا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ رِمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَ الصُّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ، وَ لَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صَدَقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ» «شیخ محمد بن حسن خُرمی عاملی، ۱۰۸۲ ق، ص ۱۰۴».

در جامعه کنونی نیز اگر جوانان بنیان زندگی خویش را بر صداقت و راستی بنا کنند و در همه شرایط و موقعیتها با همسر خویش صادقانه برخورد کنند مطمئناً زندگی موفق تری خواهند داشت و بازتاب مثبت آن را در زندگی زناشویی خویش کاملاً می‌توانند ببینید همچنان که در زندگی گوهریار حضرت خدیجه و پیامبر اکرم (ص) این به عینه قابل مشاهده است.

امانت‌داری در ازدواج

یکی از ویژگی‌های پیامبر (ص) که باعث شد او را امین بخوانند و حضرت خدیجه (س) نیز به عنوان یکی از معیارهای اصلی ازدواج آن را بیان می‌نمایند امانت‌داری بود. در مورد امانت‌داری رسول خدا (ص) گزارش‌های متعددی در منابع تاریخی گزارش شده است. از جمله این بود که پیامبر (ص) با سرمایه حضرت خدیجه (س) به تجارت پرداخت و با موفقیت از سفر تجاری برگشت (محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری، ۳۰۳ ق، ص ۲۸۱).

همچنین پیامبر (ص) اهتمام ویژه‌ای در امانت‌داری داشت و مردم، امانت‌های خود را به او می‌سپردند. وقتی پیامبر (ص) مجبور به ترک مکه و هجرت مخفیانه به مدینه شد به امام علی (ع) سفارش کرد تنها زمانی از مکه به مدینه هجرت کند که امانت‌هایی را که مردم نزد پیامبر (ص) گذاشته بودند به صاحبانشان بازگرداند (محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۳). در گزارش دیگری آمده است در غزوه خیبر مسلمانان دچار کمبود غذا شدند. در این هنگام، چوپانی که برای یهودیان گله‌داری می‌کرد نزد پیامبر آمد و

بعد از گفتگو با آن حضرت مسلمان شد. بعد از آن به پیامبر (ص) گفت گوسفندان یهودیان نزد من امانت است و اکنون که مسلمان شده ام تکلیف من چیست؟ پیامبر (ص) علی رغم نیازی که مسلمانان به مواد غذایی داشتند از چوپان خواست تا گوسفندان را به در قلعه برده و تحویل یهودیان دهد (ابومحمد عبدالملک بن هشام، ۱۸۳ق، ص ۳۴۴-۳۴۵).

پس با توجه به مسائل بیان شده می توان گفت که در ازواج زوجین باید آراسته با این خصیصه اخلاقی باشند. امیرمؤمنان (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین روایت می کند:

اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از دین داری و امانت داری او دارید، دخترتان را به عقد او در آورید که اگر چنین نکنید، فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد. (میرزا حسین نوری، ۱۳۱۹ق، ص ۱۸۸).

این موید این مطلب است که مرد دیندار امانت دار، غیرت دارد و از ناموسش با تکنیک های روان شناختی که در اسلام بیان شده مراقبت می کند و مانع وابستگی او به بیگانگان می شود. مرد دیندار و امانت دار، همسرش را به عنوان امانت الهی در زندگی خود می داند و با امانت الهی به بهترین وجه رفتار می کند و همسر چنین مردی که از رفتار او اثر می پذیرد و دینی بار می آید.

همسر امانت دار همیشه از زن و فرزندان خود به خوبی مراقبت می کند و می کوشد که در پاسداری از این امانت های الهی کوتاهی نکند. علاوه بر این، یک انسان امانت دار در جامعه از خوش نامی و شهرت مطلوبی برخوردار می شود و همین یک افتخار برای خانواده او است.

از آن طرف زن نیز باید امانت دار همسر خویش باشد؛ زیرا یکی از ویژگی های خانواده سالم و شاداب، امانت داری زن در برابر اموال و دارایی های مرد خانواده است. به عبارت دیگر خانواده تا زمانی می تواند شادابی و سلامت خود را حفظ کند که اعضای خانواده با حقوق و مسئولیت های یکدیگر آشنا باشند. یکی از حقوق مرد خانواده این است که همسرش در حضور و غیاب او حافظ اموال و دارایی هایش باشد و در عین حال امانت دار اسرار و مشکلات داخل خانواده باشد. پس این امانت داری همان طور که حضرت خدیجه (س) فرموده اند نقش مهمی در زندگی زناشویی دارد به صورتی که اگر زن و شوهر امانت دار یکدیگر نباشند عواقب جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

حسن خلق در ازدواج

همانطوری که بیان نمودیم یکی از معیارهایی که حضرت خدیجه (س) بیان می نمایند حسن خلق و خوش اخلاقی پیامبر اکرم (ص) می باشد. آمار نشان می دهد که یکی از مهم ترین عواملی که همسران را از هم جدا می کند

و به طلاق می‌کشاند، بد اخلاقی و بی‌بهرگی از فضایل اخلاقی است. بنابراین، بهترین راه مقابله با این آسیب، انتخاب همسری خوش اخلاق می‌باشد و منظور از اخلاق نیک، تنها «خنده‌رویی» و خوش‌خُلُقی اصطلاحی نیست؛ زیرا خندیدن و... در بعضی از مواقع نه تنها مطابق اخلاق نیست، بلکه خلاف اخلاق است و منظور از اخلاق نیک، «صفات و خُلق و خوی‌های پسندیده از نظر عقل و شرع» می‌باشد.

قرآن کریم در ماجرای موسی (ع) با دختران شعیب می‌فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ: یکی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)» (القصص / ۲۵).

از این آیه استفاده می‌شود که شخصیت اخلاقی و رفتاری دختران شعیب و روح فتوت و جوانمردی، امانت‌داری، موسای جوان در ازدواج آنان مؤثر بوده است. در روایات نیز ازدواج با مردان بد اخلاق نهی شده است، شخصی می‌گوید از امام رضا (ع) در نامه‌ای پرسیدم کسی از خویشاوندانم از دخترم خواستگاری کرده است، اما او اخلاق بد دارد. امام فرمود: اگر بد اخلاق است، با او وصلت نکن» (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۳۵). در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «دختر خود را هرگز به شراب‌خوار ندهید و گرنه مانند این است که او را به سوی زنا سوق داده باشید» (علامه محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۹۱).

در روایت دیگری آمده است که شخصی خدمت رسول خدا (ص) رسید و عرض کرد: همسری دارم که به هنگام ورود به خانه به استقبال می‌آید و به هنگام خروج بدرقه‌ام می‌کند. هنگامی که مرا اندوهناک یافت در دلجویی از من می‌گوید: اگر درباره‌ی رزق و روزی می‌اندیشی، غصه نخور که خدا ضامن روزی است و اگر در امور آخرت می‌اندیشی، خدا اندیشه و اهتمام تو را زیاده گرداند.» رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) در پاسخ به این مرد فرمود: برای خدا کارگزارانی در روی زمین است و این زن یکی از کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش شهید است (شیخ محمد بن حسن حُرّ عاملی، ۱۰۸۲، ص ۱۷).

و پیامبر اکرم در جایی دیگر می‌فرمایند: "خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي"؛ بهترین شما، بهترینتان نسبت به خانواده‌اش است، و من بهترین شما نسبت به خانواده هستم. (محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵۵).

این روایات خود حاکی از آن است که استمرار روابط گرم و صمیمانه‌ی زناشویی مستلزم نوعی ایفای نقش فعالانه و نوعی جهاد است؛ چراکه اگر روند زندگی مشترک به حال خود رها شود و هیچ یک از زوجین در جهت تداوم صمیمیت و تکریم یکدیگر تلاش نکنند، لاجرم به آفت زندگی مشترک یعنی روزمره‌گی دچار

خواهند شد که البته این تلاش ارزشمند و جهاد در راه خدا نیز بی‌اجر نیز نخواهد بود و پاداش مجاهدین فی سبیل الله را دریافت خواهند کرد. از اینرو در انتخاب همسر باید به این ویژگی نیز توجه داشت و علاوه بر صفات ظاهری، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی او را نیز مد نظر قرار داد که حضرت خدیجه (س) با درایت و تدبیری که داشتند این مطلب را به خوبی درک نموده اند و خوش اخلاقی پیامبر را یکی از دلایل ازدواج بیان می‌نمایند.

ویژگی‌های دیگر این ازدواج:

توجه نکردن به مسائل مادی در ازدواج

اولین پیام ازدواج پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت خدیجه (س) این است که جوانان به خاطر ثروت با کسی ازدواج نکنند و در ازدواج‌ها باید هماهنگی از نظر اقتصادی بین زوجین رعایت شود و همچنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) به اموال خدیجه کبری (س) توجهی نداشتند و معیارشان برای ازدواج پرداختن و توجه کردن به موضوعات مهمی از جمله ایمان و اخلاق بوده است.

در حال حاضر خیلی از پسرها وقتی به خواستگاری دخترها می‌روند، پدرها و مادرها از مسائل زیادی درباره او سؤال می‌کنند از جمله، ثروت، خانه، شغل، درآمد، بیمه و... اما زیاد به اخلاق، صداقت، امانت‌داری، حسن خلق دینداری آن پسر توجه نمی‌کنند.

وقتی موضوع ازدواج حضرت خدیجه سلام الله علیها با پیامبر اکرم (ص) مطرح شد (پیغمبر قبل از اینکه مبعوث شوند ازدواج کردند) زمانی که ایشان به خواستگاری حضرت خدیجه (س) آمدند، فرمودند: من تمایل به ازدواج با شما دارم، یکی به دلیل خویشاوندی، دوم به خاطر امانت‌داری، سوم به دلیل خوش اخلاقی و چهارم به دلیل راست‌گویی شما (علی بن عیسی اربلی، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۳۲).

پس حضرت به جنبه‌های مالی توجهی نداشته تا جایی که مهر خود را از میان اموال خود قرار داده اند و ضامن مهر خود شد. عده‌ای به این امر اعتراض کردند، ابوطالب (ع) جواب داد: «اگر شوهران دیگر مانند فرزند برادر من باشند، زنان به گران‌ترین قیمت‌ها و بیشترین مهریه آنان را طلب خواهند کرد و اگر مانند شما باشند مهر گران از ایشان طلب خواهند نمود». (ابو الحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری، ۱۴۰۹ ق، ۲۳).

حال مقایسه کنید مهریه این ازدواج را با مهریه‌های سنگین و غیر معقول امروز که اغلب مردان توان پرداخت آن را ندارند و قرار دادن چنین مهریه‌هایی که خارج از توان اقتصادی مردان است عقد را دچار مشکل می‌کند. با توجه به مسائل ذکر شده اگر ما در جامعه حال امروز ملاک را مسائل مورد بحث قرار می‌دادیم مطمئناً اکنون شرایط بهتری را در میان خانواده‌ها شاهد بودیم.

شناخت در ازدواج

پیامبر اسلام (ص) و حضرت خدیجه (س) با آگاهی و شناخت کامل از اخلاق، رفتار و خانواده همدیگر، ازدواج کردند. حضرت محمد (ص) و خدیجه کبری (س) با هم رابطه خویشاوندی دارند و می‌شود گفت پسرعمو و دختر عمو هستند، زیرا آنها از نسل (قُصَى) می‌باشند. قُصَى بن کِلَاب بن مُرَّة بن کَعْب، از نسل حضرت ابراهیم (ع) و جد چهارم پیامبر اکرم (ص) و پیشوای قریش در مکه بود (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۵۸، ص ۲۴۰). او این شهر را از سیطره خُزاعیان بیرون آورد و قریش را دوباره سروری داد. حفر چاه‌ها و ارائه خدمات به زائران بیت الله الحرام و بازسازی کعبه، از کارهای او است (ابن سعد، ج ۱، ص ۷۳؛ صالحی شامی، ج ۱، ص ۲۷۵).

قصی در درایت و دقت نظر، راست گویی، سخاوت و عفت برتر از مردم زمان خویش بود (احمد بن یحیی بلاذری، ۱۴۱۷، ص ۵۵) و به اعتقاد شیعه دوازده امامی همچون دیگر آباء و اجداد پیامبر اکرم، مؤمن و موحد بود (محمد بن محمد مفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۳۹؛ علامه محمد باقر مجلسی، ج ۱۲، ص ۴۹؛ ج ۱۵، ص ۱۱۷). قصی به پروردگار یکتا ایمان داشت و از عبادت لات و عُزْی و دیگر بت‌ها خودداری می‌کرد و مردم عرب را از پرستش غیر خدا باز می‌داشت (شهرستانی، ج ۲، ص ۲۴۸).

قُصَى چندین پسر داشت که یکی از پسرهای او عبدالمناف بود که حضرت محمد (ص) از نسل اوست و پسر دیگر او عبدالغزی می‌باشد که حضرت خدیجه (س) از نسل اوست (تقریب المعارف، ابوالصلاح تقی بن نجم الحل، ۱۰هـ.ق). پیش از این گفتیم که یکی از ملاکها و معیارهای بیان شده از سوی حضرت خدیجه (س) خویشاوندی با رسول اکرم (ص) می‌باشد. امروزه به دلیل بیماریهای ژنتیکی و احتمال بروز مشکلات جسمی و روحی برای کودکان، ازدواج فامیلی و خویشاوندی زیاد توصیه نمی‌شود ولی با این وجود به نظر می‌رسد به دلیل اینکه، معمولاً افراد فامیل نسبت به خصوصیات اخلاقی هم دارای شناخت بیشتر و عمیق تری هستند و چنین ازدواجی به استحکام روابط و تقویت صله رحم منجر می‌شود، و اگر در این وصلتها مشکلاتی به وجود بیاید به علت روابط فامیلی، مسائل اخلاقی و عفو و گذشت بیشتر به چشم می‌خورد، در صورت نداشتن سابقه بیماری ارثی و ژنتیکی باز هم ازدواج فامیلی و خویشاوندی توصیه می‌شود.

پس با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت که عنصر شناخت در ازدواج یکی از عناصر مهم و کلیدی در ازدواج می‌باشد که برخی جوانان در امر ازدواج کمتر به این موضوع توجه دارند و بدون داشتن هیچ معیاری برای ازدواج اقدام به تشکیل خانواده می‌کنند که این موضوع برای زندگی مشترک آنان آسیب‌های بسیاری را به دنبال دارد که یکی از این آسیب‌ها بحث منفور طلاق است که متأسفانه در جامعه امروزه شاهد افزایش آن می‌باشیم.

کفو بودن در ازدواج

کفو در لغت به معنای شبیه و مانند است، بین دختر و پسر باید سنخیت باشد، در قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) در مورد تناسب بین زوجین سفارش زیادی شده است. به طوری که مهمترین تناسب و سنخیتی که بین دختر و پسر باید لحاظ شود دینداری است. امام صادق (ع) فرمود: دختر دانا و با معرفت جز با جوان با معرفت و شایسته زندگی نمی‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰).

ازدواج نوعی ترکیب بین دو انسان و خانواده است، زندگی مشترک، یک پدیده مرکب است که اجزاء اصلی و اساسی آن، زن و مرد می‌باشند. هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، هم‌فکری، تناسب شخصیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد. این ترکیب، استوارتر، محکم‌تر، پرمتر، شریف‌تر، لذت‌بخش‌تر و جاودانه‌تر خواهد بود. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند، و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک هستند. اینان از نسبت‌های ناروایی که (ناپاکان) به آنان می‌دهند، مبرا هستند و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پُرارزشی است» (النور/۲۶).

در اینکه منظور از «خبیثات» و «خبیثین» و همچنین «طبیبات» و «طیبین» در آیه مورد بحث کیست؟ مفسران بیانات مختلفی دارند:

۱- گاه گفته شده که منظور سخنان ناپاک و تهمت و افترا و دروغ است که تعلق به افراد آلوده دارد و به عکس سخنان پاک از آن مردان پاک و باتقوا است و «از کوزه همان برون تراود که در او است» (ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۲۱۲).

۲- گاه گفته می‌شود «خبیثات» به معنی «سئئات» و مطلق اعمال بد و کارهای ناپسند است که برنامه مردان ناپاک است و به عکس «حسنات» تعلق به پاکان دارد (همان).

۳- «خبیثات» و «خبیثون» اشاره به زنان و مردان آلوده دامان است، به عکس «طبیّات» و «طیبون» که به زنان و مردان پاکدامن اشاره می‌کند و ظاهراً منظور از آیه همین است (ر.ک؛ طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۵: ۹۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۴۲۱). در آیه دیگر می‌فرماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است» (النور/۳).

در اینکه این آیه بیان یک حکم الهی است یا خبر از یک قضیه خارجی و طبیعی؟ در میان مفسران گفتگو است: بعضی معتقدند آیه تنها یک واقعیت عینی را بیان می‌کند که آلودگان همیشه دنبال آلودگان می‌روند و همجنس با همجنس پرواز می‌کند، اما افراد پاک و با ایمان هرگز تن به چنین آلودگی‌ها و انتخاب همسران آلوده نمی‌دهند و آن را بر خویشان تحریم می‌کنند، شاهد این تفسیر همان ظاهر آیه است که به صورت «جمله خبریه» بیان شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷، ج ۳۶۱). گروه دیگر معتقدند که این جمله بیان یک حکم شرعی و الهی است، مخصوصاً می‌خواهد مسلمانان را از ازدواج با افراد زناکار باز دارد، چرا که بیماریهای اخلاقی همچون بیماریهای جسمی غالباً واگیردار است (ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۱۷).

روایات فراوانی است که از پیامبر اسلام (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) در این زمینه به ما رسیده است و آن را به صورت یک حکم تفسیر کرده‌اند. حتی بعضی از مفسران بزرگ در شأن نزول آیه چنین نوشته‌اند: «مردی از مسلمانان از پیامبر (ص) اجازه خواست که با «امّ مهزول» - زنی که در عصر جاهلیت به آلودگی معروف بود و حتی پرچمی برای شناسایی بر درِ خانه خود نصب کرده بود - ازدواج کند، آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت... (ر.ک؛ همان).

در حدیث دیگری نیز از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) می‌خوانیم: «این آیه در مورد مردان و زنانی است که در عصر رسول خدا (ص) آلوده زنا بودند، خداوند مسلمانان را از ازدواج با آنها نهی کرد و هم اکنون نیز مردم مشمول این حکم هستند، هر کس مشهور به این عمل شود و حدّ الهی به او جاری گردد، با او ازدواج نکنید تا توبه‌اش ثابت شود» (ر.ک؛ همان).

همتایی و تناسب دارای ابعاد مختلفی است؛ از جمله همتایی و تناسب دینی و ایمانی، همتایی و تناسب فکری و فرهنگی، همتایی اخلاقی، همتایی جسمی و جنسی، همتایی اقتصادی و سیاسی، اجتماعی، تناسب در زیبایی و خانوادگی، تناسب سنی و علمی، هماهنگی روحی و روانی.

پس با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت: حضرت خدیجه (س) با ازدواج با پیامبر (ص) اثبات کرد ملاک کفو بودن مادیات، مسکن و مرکب نیست، بلکه هم فکر بودن و تقوای الهی، نشانه کفو بودن است.

نقش مشورت در ازدواج

برخی از جوانان امروزی برای امر ازدواج، اقدام به هیچ مشورتی با خانواده‌ها و بزرگان نمی‌کنند و با یک نگاه و علاقه سطحی و یا داشتن شناخت چند روزه در این راستا قدم بر می‌دارند. در حالی که پیامبر گرامی اسلام (ص) برای ازدواج، با عموی خود ابوطالب مشورت کردند و ایشان را واسطه قرار دادند و حضرت خدیجه (س) با ورقه بن نوفل، برای ازدواج با حضرت محمد (ص) مشورت کرد و او برخلاف «عمرو بن اسد» عموی حضرت خدیجه، پس از شنیدن توصیفات پیامبر از زبان حضرت خدیجه، بلافاصله با این ازدواج موافقت نمود (عماد الدین اسماعیل بن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، ۳۶۰).

وی در جلسه خواستگاری پیامبر (ص) حضور داشته و حتی گفته شده که او نماینده حضرت خدیجه (س) بوده است (سید علی میرشریفی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۵).

و ابوطالب و خانواده‌اش به همراه تنی چند از قریشیان برای خواستگاری از خدیجه (س)، نزد ورقه بن نوفل رفتند (شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۸۷؛ علامه محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۸). ورقه بعد از خطبه خوانی ابوطالب، وصلت با خاندان ایشان را از افتخارات خاندان خود معرفی کرد (شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷۵؛ محمد بن زین الدین علی بن ابراهیم بن حسن ابن ابراهیم بن ابی جمهور آخسائی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۹۸).

خواستگاری کردن حضرت خدیجه (س) از پیامبر اکرم (ص)

مراسم خواستگاری آنگونه است که مرد به خواستگاری زن می‌رود، چون مطابق با خصوصیات و تمایلات درونی انسان‌ها می‌باشد. از آن جهت که مرد مظهر نیاز و طلب است و اوست که باید برای انتخاب و بدست آوردن همسر شایسته‌ی پیش‌گذار و از آن جهت که زن مظهر ناز و مطلوب بودن است نباید ابراز نیاز و درخواست از طرف او باشد. او باید منتظر بماند تا کسانی که در طلب او هستند زحمت و رنج درخواست و خواستگاری را بر خود هموار کند. اگر زن او را پسندید با او ازدواج کند و گرنه او را رد کند. این روال طبیعی و معمولی خواستگاری است که در اکثر نقاط جهان به همین صورت بوده است، کما این که جریان ازدواج امام علی - علیه السلام - با حضرت زهرا نیز به همین منوال بود. اما این قانون و حکم لازم الاجرا در تمام موارد

نمی باشد. نسبت به شرایط و حالات مختلف قابل تغییر است، از آن جمله شرایطی است که در جریان ازدواج پیامبر اکرم با حضرت خدیجه وجود داشته است که باعث شده این عقد به این صورت اتفاق بیفتد.

درباره ازدواج پیامبر چند نکته لازم به ذکر است:

اول این که حضرت خدیجه دختر خویلد قبلاً ازدواج کرده بوده (علی بن محمد جزری شیبانی، ۶ق، ۷۲) و دختر جوان و خامی نبوده که نیاز به اذن یا مشورت دیگران داشته باشد و در آن زمان حدود ۴۰ سال داشته هر چند که اختلاف نظرات زیادی در این زمینه وجود دارد و حتی برخی از بزرگان اهل سنت از جمله بیهقی سن ایشان در زمان ازدواج را ۲۵ سال دانسته اند. وی سپس در جای دیگر می نویسد: «أن النبی تزوج بها وهو ابن خمس وعشرين سنة قبل أن یبعثه الله نبیا بخمس عشرة سنة». ازدواج رسول خدا با حضرت خدیجه ۱۵ سال قبل از بعثت بوده است. بنابراین طبق قول بیهقی وقتی ایشان در زمان وفات یعنی سال دهم بعثت، ۵۰ ساله باشند و ۱۵ سال قبل از بعثت هم ازدواج نموده باشند با این حساب سن حضرت خدیجه در زمان ازدواج با پیامبر اکرم ۲۵ سال بوده است. (احمد بن الحسین بن علی بن موسی، ۱۳۶۱ش، ص ۷۱).

بن عساکر و ذهبی و مرحوم إربلی به نقل از ابن عباس می گویند: خدیجه در زمان ازدواج با آن حضرت ۲۸ ساله بود. (علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۹۳؛ ابوالحسن علی بن عیسی هکّاری، ۶۸۲ق، ص ۱۳۵).

مرحوم إربلی در جای دیگر به نقل از ابن حماد می فرماید: حضرت خدیجه در زمان ازدواج با آن حضرت ۲۸ ساله بود. (ابوالحسن علی بن عیسی هکّاری، ۶۸۲ق، ص ۱۳۳)

و همچنین از ابن شهر آشوب نقل شده که احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی در کتاب های شان و سید مرتضی در الشافی و شیخ طوسی در تلخیص الشافی متذکر این امر شده اند که پیامبر (ص) با خدیجه (س) ازدواج کرد در حالی که ایشان دختری باکره بود. ابن شهر آشوب حتی نقل می کند که این گفته در کتاب های الانوار و البدع نیز مورد تاکید قرار گرفته است (محمد بن علی بن شهر آشوب سرّوی مازندرانی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۵۹).

و با توجه به اینکه وفات آن حضرت در سال دهم بعثت می باشد، سن ایشان را در زمان ارتحال، ۶۵ سال ذکر می کنند. این در حالی است که محدثین و مورخین مثل ابن عبدالبرو ابن اثیر این قول (۴۰ ساله بودن حضرت خدیجه در زمان ازدواج با پیامبر) را بسیار ضعیف می دانند (ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر ابن عاصم نمری، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۸۲۵).

با این حساب روشن شد که بسیاری از مورخین و محدثین سن آن بزرگوار را حدود ۲۵ تا ۲۸ سال دانسته اند. و نیز روشن شد که تفاوت سنی بین پیامبر اکرم و حضرت خدیجه نبوده و هر دو حدود ۲۵ سال داشته اند (شمس الدین ذهبی، ۷۴۸ق، ص ۱۱۱). با توجه به مطالب ارائه شده اگر ما سن حضرت خدیجه (س) را همان ۲۵-۲۸ در نظر بگیریم باز هم ایشان با توجه به شرایط عرب آن زمان در سن کمی قرار نداشتند که احتیاج به اذن کسی داشته باشند و با توجه به درایت، بینش و درک بی نظیرشان با شناخت کامل به همسری رسول اکرم (ص) درآمدند.

دوم این که پیامبر در تمام قریش به حسن صورت و سیرت، اخلاق نیکو، امانت و صداقت مشهور بوده است. او در میان قریش به محمد امین معروف بوده و امانت‌داری پیامبر عامل خوبی بوده برای جلب توجه زنی ثروت مند و تاجر به کسی که برای ازدواج انتخاب می کند.

سوم این که قبل از ازدواج آن ها پیامبر یک بار به عنوان بازرگانی و تجارت با مال التجاره خدیجه به همراه میسره غلام خدیجه به شام می رود. میسره در بازگشت برای خدیجه از این سفر چیزهایی تعریف می کند که همگی حاکی از بزرگی و عظمت پیامبر اکرم می باشد. میسره به خدیجه می گوید: ما از کنار هیچ درخت یا سنگریزه ای عبور نمی کردیم مگر این که می گفتند: السلام علیک یا رسول الله و جریان های دیگری که در کتب تاریخ و حدیث ذکر شده است. به علاوه این که خود خدیجه نیز زنی با کمالات و بزرگوار بوده. احادیث متعددی در فضایل و بزرگواری او از پیامبر اکرم نقل شده است همین بس که پیامبر همیشه از او به نیکی یاد می کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳).

حضرت فرموده اند: که بهترین زنان بهشت ۴ زن می باشند. مریم دختر عمران، خدیجه، فاطمه زهرا و آسیه. اگر نبود درباره او مگر همین روایت کافی بود برای عظمت و منزلت خدیجه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲).

چهارم این که خدیجه نیز خود مستقیماً از پیامبر خواستگاری نکرد بلکه بعضی از اقوام را واسطه قرار داد تا ابراز تمایل خود را به پیامبر برسانند. و این در زمانی بود که پیامبر تصمیم به ازدواج گرفته بودند علت این هم که پیامبر برای تجارت سراغ خدیجه رفتند همین بود که برای فراهم کردن مقدمات ازدواج مقداری پول تهیه کنند و پیامبر بعد از این که ابراز تمایل خدیجه را نسبت به خود متوجه شد با این ازدواج موافقت کرد و مراسم عقد و ازدواج با حضور جمعی از بزرگان قریش و عموهای عروس و داماد برگزار شد. (أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی، ۱۴۱۵، ص ۱۰۱)

خدیجه این زن ثروتمند و مشهور قریش بعد از مراسم ازدواج به پیامبری فرماید: «بیتی بیتک و انا جاریتک» خانه من خانه توست و من نیز کنیز توام. سلام خدا بر او باد. (همان)

پس با توجه به این که هم خدیجه زن عاقل و بالغی بوده و پیامبر هم دارای امتیازات فراوانی بوده و نیز این که این جریان با واسطه اتفاق افتاده میتوان گفت: که اشکالی ندارد، در شرایطی خاصبراز تمایل به ازدواج از جانب خانواده دختر و یا خود دختر باشد. نمونه های زیادی وجود دارد که پدر دختر به پسر پیسنهاد ازدواج داده است از آن جمله داستان دختران شعیب و حضرت موسی است که شعیب، موسی را برای یکی از دخترانش برگزیده و پیسنهاد ازدواج آن ها را مطرح می کند.

اما در این میان از نکته ای نباید غافل شد، حفظ عزت و جایگاه دختر و عروس، هم از نظر اجتماعی و هم از نظر عاطفی بسیار لازم است. برای پسر خیلی مهم نیست که از طرف دختری مورد پسند واقع نگردد، ولی برای دختر بسیار سخت است، که به پسر ابراز تمایل بکند، ولی پسر او را نپذیرد لذاست که دختران به هیچ وجه نباید به راحتی خود را در معرض چنین درخواست هایی قرار دهند.

نتیجه گیری

از آنجایی که حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین زنی که به اسلام مشرف شد، اولین و عزیزترین همسر پیامبر (ص)، مادر حضرت زهرا (س) و طبق حدیثی که از رسول الله (ص) نقل شده است یکی از چهار بانویی که به عنوان برجسته ترین و بهترین زنان عالم معرفی شدند (بحار، ج ۴۳، ص ۵۳) اینها تنها بخشی از کمالات شخصیتی حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها می باشد، ما را بر آن داشت که با مطالعه دقیقتر زندگی و سیره اخلاقی آن حضرت که سرشار از معرفت و گذشت و فداکاری است به شناخت بیشتری از ایشان برسیم و زندگی پرارزش ایشان را بخصوص در امر ازواج، به عنوان الگویی شاخص و منحصر به فرد برای زندگی جوانانی که در اول راه بوده و قصد ازدواج دارند معرفی نماییم و همه تلاش و همت خویش را به کار بردیم تا به تبیین ملاکهای آن حضرت پردازیم و بعد از بررسی در این باب به نتیجه ی مطلوب دست بیایم.

الحاصل، به نظر می رسد که علت این همه مشکلات موجود در خانواده ها به خاطر نداشتن شناخت کافی طرفین از همدیگر و عدم پایبندی به الگوهای دینی و معنوی و اخلاقی و همچنین اختلافات فرهنگی که میان دو خانواده وجود دارد (به علت ازدواج با غیر خویشاوند و فامیل) سبب شده که ما با طیف عظیمی از مشکلات و درخواستهای طلاق در دادگاه های کشور مواجه باشیم.

دین اسلام کاملترین و جامع ترین دین الهی است که برای همه مراحل زندگی انسان دستوراتی همراه با الگوهای مشخص دارد. امر ازدواج نیز طبیعتاً از این قاعده مستثنی نیست و اما جوانان امروز همتاسفانه شناخت کاملی نسبت آن ندارند. پس توصیه می شود که به مطالعه بیشتر این دستورات الهی پرداخته و با مراجعه به الگوهای دینی از جمله ازدواج حضرت خدیجه (س) و پیامبر اکرم (ص) که همچون چراغی هدایتگر می باشند آن را سرلوحه زندگی خویش قرار دهند.

و در پایان خاطر نشان می کنیم که حضرت خدیجه (س) اسوه ادب و اخلاص بودند، ایشان در لحظات آخر عمر خود به پیامبر اکرم عرضه می دارد که آقای من اکنون که هر نفسم بوی رفتن می دهد از شما سوالی دارم؟ آیا برای شما همسر خوبی بودم؟ آیا همان کسی بودم که وعده داده بودم؟ تمام ثروتم را به پایت ریختم و همه عمر کنیزت بودم، ببینید از آن همه ثروت به جز این پوستین چیزی برایم نمانده است. حال که نفسهای آخر را می کشم به لبخندی از شما خرسندم و پیامبر اکرم (ص) در جواب ایشان می فرمایند: همسر عزیزم! ای که در تنهایی پناهم بودی و با همه هستی یاریم کردی، هرگز یادم نمی رود تو بودی که مرا انتخاب نمودی و آرامش را به من هدیه دادی، نام تو را همواره بر لب خواهم داشت و هیچ وقت فراموش نخواهم کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۸).

منابع

۱. ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، السیره النبویه، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه.
۲. ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت: دارصادر.
۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، ج ۱۶، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۳)، فروغ ابدیت، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، قم: دارالهجره.
۶. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، ج ۱، بیروت: دارالکتب.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران: مکتبه الصدق.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴.
۱۰. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲.
۱۱. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.